نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیستم، شماره ۵۶، بهار ۹۹

برنامه‌ریزی پایدار توسعه همکاری‌های مناطق مرزی (CBC): عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری اتحاد مناطق مرزی

دریافت مقاله: ۹۷/۳/۱۸ **پذیرش نهایی**: ۹۷/۷/۱۷

صفحات: ۱۴۰-۱۱۵

امین کوشکی: استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.
Email: a.kooshki@hsu.ac.ir
مهرشاد طولابی‌نژاد: دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.[1]
Email: mehrshad_t65@yahoo.com

چکیده

در این پژوهش با استفاده از برنامه توسعه همکاری‌های مناطق مرزی (CBC) به بررسی عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری اتحاد در مناطق مرزی پرداخته شد. تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و روش انجام آن ترکیبی (کیفی و کمی) است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه و مصاحبه بود. جامعه آماری کارشناسان مختلف در زمینه‌های تحصیلی علوم سیاسی، جغرافیا، اقتصاد، جامعه-شناسی، کارشناسان نیروی انتظامی، استانداری و فرمانداری در استان سیستان و بلوچستان را شامل می‌شد. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند ۷۰ کارشناس انتخاب گردید. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، از آزمون‌های توصیفی و مدل رگرسیون لجستیک باینری (روش LM- نیوتن- مارکارد- رافسون) استفاده گردید. نتایج نشان داد که در زمینه برنامه‌ریزی برای پایداری اتحاد در استان سیستان و بلوچستان به جز قرارداد تعیین حقابه رودخانه هیرمند در منطقه سیستان که با کشور افغانستان در چند دوره زمانی منعقد شد؛طرح یا برنامه‌ای تصویب و اجرا نشد و از بین پنج عامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی- مذهبی، نهادی- ساختاری و سیاسی امنیتی، سه عامل اقتصادی (۰/۴۷۸)، سیاسی- امنیتی (۰/۴۷۳) و فرهنگی- مذهبی (۰/۳۶۳) بیشترین اثر را بر پایداری اتحاد مناطق مرزی در منطقه مورد مطالعه داشته‌اند. از نتایج این پژوهش برای توسعه همکاری‌های مناطق مرزی و پایداری انسجام در مناطق مرزی مختلف ایران می‌توان استفاده نمود.

کلید واژگان: همکاری‌های مرزی **(CBC)**، برنامه‌ریزی پایدار، توسعه منطقه‌ای، انسجام سرزمینی، استان سیستان و بلوچستان.

[1].**نویسنده مسئول:** سیستان و بلوچستان، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشگده جغرافیا و برنامه‌ریزی ۰۹۱۶۸۵۷۴۷۳۱

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

مقدمه

از سالیان گذشته تا کنون، مناطق مرزی اهمیت زیادی در صحنه بین‌المللی و در رابطه با قابلیت‌های بالقوه و یکپارچه خود داشته‌اند (Dominguez Castro and Varela Alvarez, 2015: 227). این مناطق به دلیل تماس با محیط‌های گوناگون داخلی و خارجی، از ویژگی‌های خاصی برخوردارند (بیگدلو و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۰). وجود مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مرز و بین کشورهای مجاور، آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات مختلف، مرزها را به کانون‌های حساسی مبدل ساخته است (قالیباف و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۲). در سال‌های اخیر، همکاری میان مناطق مرزی کشورها به یک مسئله حیاتی برای توسعه پایدار این مناطق تبدیل شده است (Kurowska-Pysz et al, 2018: 1). به طوری که تعاملات مرزی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به واسطه پتانسیل بالقوه‌ای این مناطق در جهت برنامه‌ریزی برای توسعه و انسجام سرزمینی توجه بسیاری از محققان و دولت‌ها در سراسر دنیا را به خود جلب کرده است (Castanho et al, 2018: 92). این تعاملات زمانی بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم بیش از نیمی از جمعیت مرزی هر کشور در معرض سیاست‌های مشترک دو کشور همسایه و شکاف‌های موجود بین آنها قرار دارند (Xia, 2011: 230). استمرار و پایداری حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این مناطق نیز در گرو انسجام مناطق مرزی کشورها می‌باشد (میرلطفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۷). برای پایداری انسجام بین مناطق مرزی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، محیطی و اجتماعی- فرهنگی، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی در کشورهای مختلف انجام گرفته است (Lee and Na, 2010: 1634). به عنوان مثال در کشورهایی چون مکزیک، هند و چین، آرژانتین، شیلی و برزیل برنامه‌هایی در زمینه پایداری، انسجام و تقویت روابط بین ساکنان مناطق مرزی انجام گرفت (Bacova et al, 2015: 254). هدف اکثر این برنامه‌ها پایداری و گسترش همکاری‌های مرزی (CBC)[1] و پایداری انسجام سرزمینی بوده است (Kurowska-Pysz et al, 2018: 4). مفهوم انسجام سرزمینی برای اولین بار در محافل سیاسی- علمی اتحادیه اروپا مورد استفاده قرار گرفت که هدف آن ایجاد همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی بین اعضای جامعه نسبت به یکدیگر و همسایگان بود (Medeiros, 2016: 3). این ارتباط و پیوند در برگیرنده طیف وسیعی از بازیگران محلی و منطقه‌ای (Medeiros, 2011: 145)، و هدف آن کاهش موانع در مناطق مرزی در امتداد پنج بعد نهادی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، زیست محیطی، میراث فرهنگی و فناوری می‌باشد (Castanho et al, 2017: 183). برای توسعه و پایداری انسجام در مناطق مرزی عوامل و محرک‌هایی وجود دارد و جهت برنامه‌ریزی و اتخاذ استراتژی متناسب برای ایجاد پایداری در ابعاد مختلف، شناسایی این عوامل و محرک‌ها مهم است. از جمله این پیش‌نیازها و محرک‌ها می‌توان، به عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی- مذهبی، ساختاری- نهادی، سیاسی-امنیتی و فضایی- منطقه‌ای اشاره نمود. برای ایجاد انسجام در مناطق مرزی با مناطق کشورهای همجوار، شناسایی این عوامل و محرک‌ها برای برنامه‌ریزی پایدار در مناطق مرزی لازم و ضروری می‌باشد.

مناطق مرزی ایران نیز به دلیل دور افتادگی از شهرهای بزرگ بیش از هر نقطه دیگر مورد غفلت واقع شده‌اند. وجود اختلافات مرزی با کشورهای مجاور و عدم امنیت این مناطق، گسترش فعالیت‌های سودآور غیرقانونی از یک سو و عدم تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و عدم توسعه یافتگی از سوی دیگر، باعث عقب

۱- cross-border cooperation

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]

[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

ماندن این مناطق از روند توسعه کشور گردیده است (میرلطفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۷). در استان سیستان و بلوچستان همچنین با توجه به مرزی بودن این منطقه و همسایگی این منطقه با کشورهای ناپایداری چون افغانستان و پاکستان و با وجود مشکلات مختلف در زمینه‌های اقتصادی و خشکسالی‌ها، زمینه‌های زیادی برای ایجاد ناپایداری به وجود آمده که نمودهای عینی در این منطقه عبارت‌اند از: قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالا و سوخت، سرقت‌های مسلحانه، آدم‌ربایی، راه‌بندان و راه‌زنی، شرارت، عدم وجود امنیت فردی و گروهی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی است (بیگدلو و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۱). همچنین کمبود توان‌های محیطی و نبود زمینه‌ها و زیر ساخت‌های مناسب برای توسعه این نواحی، علاوه بر ناپایداری سکونتگاه‌ها، امنیت این مناطق را نیز تحت تأثیر قرار داده است (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲). با توجه به وضعیت اقلیمی، پراکندگی روستاها، کمبود امکانات و خدمات، محدودیت منابع طبیعی و شرایط نامساعد آب و هوایی و ناامنی در منطقه مورد مطالعه، به نظر میرسد انجام اقدامات و فعالیت‌های توسعه‌ای و برنامه‌ریزی پایدار برای توسعه این منطقه ضروری باشد. یکی از بهترین شیوه‌ها برای توسعه این مناطق، تأمین امنیت مرزها و مرزنشینان، برنامه‌ریزی پایدار برای مناطق مرزی، ایجاد پایداری اتحاد و انسجام سرزمینی در این منطقه از طریق ایجاد پیوندهای اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی و غیره می‌باشد. ایجاد ارتباط و پیوند بین این منطقه با کشورهای همجوار، ضمن برقراری پایداری اتحاد و انسجام بین مناطق مرزی بین دو کشور، می‌تواند امنیت در مناطق مرزی، توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی و جلوگیری از مهاجرت ساکنان این مناطق به شهرها و نواحی داخلی کشور را به دنبال داشته باشد. به همین جهت برای برنامه‌ریزی پایدار برای توسعه همکاری مناطق مرزی لازم است ابتدا عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری انسجام سرزمینی در مناطق مرزی شناسایی شوند و با توجه به این عوامل و محرک‌ها برای این منطقه به صورت موردی و برای سایر مناطق کشور به صورت کلی برنامه‌ریزی نمود. با توجه به اهمیت این موضوع در پژوهش حاضر به بررسی عوامل و محرک‌های موثر بر انسجام سرزمینی و پایداری اتحاد در منطقه مرزی شرق کشور پرداخته شد. لذا برای این پژوهش سوال زیر مطرح شد: مهم‌ترین عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری اتحاد در مناطق مرزی کدامند؟

برنامه همکاری پایدار مناطق مرزی (CBC)

به طورکلی نظام برنامه‌ریزی توسعه هر کشور بسته به اهداف، مکان، زمان و سطوح مدیریت در آن کشور، دارای سلسله مراتب سیستمی است (عندلیب و معطوف، ۱۳۸۸: ۵۸). براساس این نظام انواع برنامه‌ریزی ممکن است به کار گرفته شود (تودارو، ۱۳۶۳: ۱۵۶). از بین انواع برنامه‌ریزی‌ها و با توجه به اهمیت انسجام مناطق مرزی، نقش حیاتی برنامه‌ریزی پایدار در موفقیت سرزمین‌ها، پروژه‌ها و استراتژی‌ها و رشد و توسعه پایدار درازمدت آنها و همچنین دستیابی به مناطق منسجم و پایدار، می‌توان به برنامه همکاری پایدار مناطق مرزی (CBC) اشاره نمود (Yigitcanlar et al, 2015: 36). این استراتژی به عنوان یک مکانیسم برنامه‌ریزی مرزی در جهت ارتقاء توسعه ارضی مناطق مرزی محسوب می‌شود (Medeiros, 2014: 365). در واقع CBC به عنوان یک راه‌حل و استراتژی برای توسعه پایدار محلی و منطقه‌ای در مناطق مرزی که می‌خواهند به توسعه در کلیه ابعاد برسند در نظر گرفته شده است (Loures, 2014: 73). این استراتژی شامل جنبه‌های کلیدی برنامه‌ریزی فضایی و همچنین برخی از ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره می‌باشد (Kurowska-Pysz et al,

(4 :2018. پروژه (CBC) شامل طرح و برنامه فضایی بلندمدت در مناطق مرزی محسوب می‌شود که هدف آن کاهش موانع سرمایه‌گذاری، بهبود فضایی و توسعه سراسری منطقه مرزی (Chilla et al, 2012: 963)، حفظ محیط‌زیست، توسعه مناطق روستایی به ویژه مناطق کمتر توسعه یافته و انسجام ارکان سیاسی مختلف در این مناطق می‌باشد (Baptista et al, 2013: 1). برنامه‌ریزی مرزی فقط به استراتژی‌هایی با مشارکت فعال و بسیج بازیگران محلی و منطقه‌ای در روند همکاری‌های مرزی محدود نمی‌شود، بلکه شامل همکاری و مشارکت بازیگران مختلف محلی و منطقه‌ای در اجرای مراحل برنامه نیز می‌باشد (Medeiros, 2014: 368). سیاست این برنامه توسعه و احیای مناطق مرزی از طریق سیاست‌های همکاری پایدار و پیوند منطقه‌ای است (Loures et al, 2015: 5). برنامه و منشور (CBC) برای نخستین بار در سال ۱۹۸۱ در کنوانسیون کشورهای اروپایی با هدف توسعه و افزایش رشد و رفاه در مناطق مرزی مطرح شد (Baptista et al, 2013: 3). در مرحله بعدی در کشورهایی چون آرژانتین، شیلی، برزیل، چین و هند (آسیا) مورد استفاده قرار گرفت که تاکید آن بر همکاری خاص مناطق مرزی در زمینه‌هایی چون همکاری در ابعاد نهادی، دسترسی، ارتباط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، فناوری و محیط زیست بود (Kurowska-Pysz et al, 2018: 4). اصل اساسی در این برنامه اشتراک‌گذاری منابع و پیوند مشترک مناطق مرزی برای رسیدن به توسعه، انسجام متقابل و توسعه سطوح مختلف می‌باشد (Namyslak, 2014:2412). اصول دیگر در این برنامه شامل سه اولویت رشد اقتصاد هوشمند و پایدار مناطق مرزی، پایداری همکاری‌ها و مشارکت مناطق مرزی با هدف بهبود کیفیت زندگی و ارتباط متقابل و مشارکت در زمینه‌های مختلف، تجاری و خدماتی، اقتصادی، نهادی، ساختاری، محیط زیستی، اجتماعی، فرهنگی و غیره را شامل می‌شود(Castanho et al, 2018: 95). معیار مهم در پروژه (CBC) شامل پایداری در ابعاد مختلف است. این ابعاد شامل پیوندهای اقتصادی، نهادی و ساختاری، پیوندهای اجتماعی- فرهنگی، و سیاسی- امنیتی را مشخص می‌نماید.

ابعاد زیست محیطی این برنامه شامل تمام فرآیندهای زیستی و زمین شناسی و عناصر دخیل در آنها تعریف شده که شامل استفاده از سوخت پاک، مخاطرات طبیعی و حفاظت از گیاهان و جانوران است (Spangenberg, 2000: 56). هدف از همکاری در این بعد، حفاظت از سیستم‌های زیست محیطی به عنوان پایه طبیعی و حفظ تمدن بشری است(Yigitcanlar et al, 2015: 36). در بعد نهادی، هدف بررسی مشارکت و نقش گروه‌های مختلف جامعه، و همچنین برابری حقوقی، خدمات اداری و بازیگران اصلی دولتی و غیر دولتی در ایجاد پایداری در مناطق مرزی تلقی می‌شود (Williams, 2007: 122). در این بعد مشارکت عمومی، برابری فرصت‌های جامعه و اقوام، و برابری جنسیتی ضامن پایداری اتحاد و انسجام منطقه مرزی می‌باشند (Castanho, 2017: 159). همکاری و مشارکت تمام اقشار و نهادها در این بعد از عوامل مهم پیوند و ایجاد همگرایی برای دستیابی به توسعه پایدار هستند (Sassen, 2007: 145). تمرکز در ابعاد اقتصادی، که به عنوان یک زیرسیستم خاص جامعه شناخته شده است با ویژگی‌های خاص منطقه شامل بهره‌وری، و درک فردی در به حداکثر رساندن سود (اهداف و چشم‌انداز کوتاه‌مدت) (Kurowska-Pysz et al, 2018: 6)، و برآوردن نیازهای اقتصادی شهروندان در منطقه، و شامل ارائه فرصت‌های شغلی و ایجاد اشتغال پایدار، تبادل کالاها، سرمایه‌گذاری، افزایش توانایی انعطاف‌پذیری اقتصادی جامعه و همکاری‌های اقتصادی (چشم‌انداز بلندمدت) بود

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

(Szczepanska-Woszczyna and Kurowska-Pysz, 2016: 58). تاکید بعد سیاسی این برنامه نیز از همبستگی ارضی، ایجاد امنیت سیاسی، حصول از توسعه هماهنگ منطقه مرزی و کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای حاصل می‌شود (Medeiros, 2015: 99). عوامل فرهنگی- مذهبی، سیاسی- امنیتی و آمایش فضایی- منطقه-ای نیز از دیگر ابعاد مهم در این پروژه و برنامه می‌باشند. هدف از بیان این عوامل در برنامه (CBC) علاوه بر پیوند مناطق، توسعه فضایی و همچنین احیای اقتصادی و اجتماعی و حفظ ارزش‌های زیست محیطی در مناطق مرزی است. از نظر جارستیک و سانسدروم (۲۰۱۷) مشارکت بازیگران مختلف محلی و منطقه‌ای در اجرای مراحل برنامه لازم و ضروری می‌باشد. این بازیگران و نقش و ابزار مورد استفاده در این برنامه در جدول(۱) آورده شد.

جدول (۱). ابزار و نقش بازیگران در توسعه پایدار در برنامه (CBC)

بازیگران	معانی (ابزار)	نقش
دولت	مقامات حقوقی	تنظیم کننده برنامه‌ها
	مقامات مالی	تأمین کننده منابع مالی
	مشروعیت سیاسی	میانجی، هماهنگ‌کننده و سازنده طرح
دولت محلی (جامعه مدنی و سازمان غیردولتی)	تخصص/دانش (محلی)	نقش مشورتی و بسیج محلی
	اجتماع	شبکه‌های اجتماعی و ارائه اطلاعات
	هویت محلی	بهبود پاسخگویی
	مشروعیت اجتماعی	سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی/ هدف کاهش محرومیت اجتماعی

منبع: Bjarstig and Sandstrom, 2017: 61

در ایران هر چند در زمینه توسعه همکاری‌ها با کشورهای همسایه قراردادها و تفاهم‌نامه‌هایی منعقد شده است؛ ولی این قراردادها اکثرا جنبه ملی داشته تا برنامه‌ریزی پایدار همکاری و پایداری اتحاد بین مناطق مرزی. هدف این تفاهم‌نامه بیشتر در برگیرنده سیاست کلی کشور بوده نه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی برای پایداری همکاری-های مناطق مرزی.

یکی از بحث‌های مهم در پروژه (CBC) پایداری انسجام و اتحاد در مناطق مرزی می‌باشد که ابتدا در برنامه-ریزی‌های رسمی اتحادیه اروپا (۲۰۱۴- ۲۰۲۰) مطرح و مورد بحث قرار گرفت (Van Der Zwet et al, 2014:59). انسجام یا همبستگی معمولاً مفهومی را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به طور متقابل نیازمند یکدیگرند (میرلطفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲). انسجام برنامه-ریزی به عنوان توانایی یک سیستم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای دستیابی به سه هدف ارتقای توانمندی شهروندان و مشارکت اجتماعی، ایجاد شبکه‌های سازمانی در جهت گسترش و کمک به اجرای طرح‌ها و برنامه-های مختلف توسعه تعریف شده است (Gomez, 2016: 426). مفهوم انسجام و اتحاد سرزمینی ابتدا در محافل سیاسی و علمی اتحادیه اروپا به منظور هماهنگی در سیاست‌های سرزمین مورد استفاده قرار گرفت (Medeiros, 2016: 3). انسجام سرزمینی عمدتا به عنوان صلاحیت سیاسی برای اعمال کنترل بر روی یک فضای به خاص، مورد بحث قرار گرفت که با جهانی شدن و نیاز به همکاری‌های متقابل در مناطق مرزی گسترش یافت (Chilla et al, 2012: 961). در بحث برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انسجام ارضی به عنوان یک

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

سیاست منطقه‌ای در جهت توسعه منطقه‌ای و همکاری‌های منطقه‌ای با هدف پایداری روابط تعریف شده است (Katja et al, 2009: 5). در تعریف دیگر، اتحاد و انسجام سرزمینی روند همکاری ارضی به عنوان یک روش اساسی سیاسی برای پایداری اتحاد ارضی، طراحی و مدیریت فرایند همکاری‌ها در برنامه‌ریزی فضایی با هدف کاهش تمامی موانع و مشکلات ناشی از انواع مرزها و ترویج توسعه مناطق مرزی در نظر گرفته شده است (Knippschil, 2011: 631). بر اساس برنامه کمیسیون اروپا[1] (۲۰۱۳)، ابعاد انسجام و پایداری اتحاد شامل: انسجام اجتماعی، پایداری اقتصادی، فرهنگی، اداره ارضی، برنامه‌ریزی فضایی، و بعد پایداری محیط زیست محیطی می‌باشند.

ایجاد اتحاد و انسجام سرزمینی در زمینه همکاری و استفاده از منابع و پتانسیل‌ها از عوامل و ارکان مهم در توسعه همکاری‌های پایدار مناطق مرزی (CBC) می‌باشد. در این برنامه پایداری اتحاد با اهداف زیر انجام می-گیرد:

۱) کاهش مسائل و مشکلات مناطق مرزی، باز شدن مناطق مرزی برای ساکنان این مناطق؛

۲) ایجاد همکاری در زمینه‌های مختلف و ایجاد پیوندها و ارتباطات اقتصادی، اجتماعی و غیره، از طریق تبادل گردشگر، حمل و نقل، همکاری‌های اقتصادی و مشارکت ساکنان منطقه مرزی؛

۳) حفاظت از محیط زیست مناطق مرزی و ارائه راه‌حل‌های فضایی در این زمینه؛

۴) امکان استفاده هر دو منطقه مرزی برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک و ادغام فعالیت‌های مختلف مناطق مرزی در جهت تحرک توسعه مناطق مرزی؛

۵) نهادینه کردن همکاری‌ها و حصول اطمینان از تداوم و دوام آن با همراهی سازمان‌های دولتی، دولت‌های محلی و رهبران محلی (Kurowska-Pysz et al, 2018: 4). برای رسیدن به این اهداف و برای ایجاد پایداری و انسجام در مناطق مرزی شناسایی عوامل و محرک‌های پایداری و پیش‌نیازهای همکاری‌های مرزی ضرورت دارد. این عوامل توسط محققان و سازمان‌های بین‌المللی به صورت‌های مختلف بیان شده‌اند.

از یک نظر عوامل کلی موثر بر اتحاد در مناطق مرزی را می‌توان به صورت زیر تقسیم کرد:

۱) عوامل مرتبط با مشارکت در برقراری اتحاد و انسجام سرزمینی (میزان اعتماد، کیفیت و پویایی روابط در زمینه‌های مختلف؛ وجود ارزش‌های مشترک فرهنگی، زبانی، ایدئولوژیک و غیره)؛

۲) عوامل مرتبط با پایداری و توسعه منطقه مرزی (استفاده از برنامه CBC در سطح منطقه مرزی، شباهت‌های تاریخی و اجتماعی و اقتصادی، وضعیت ژئوپلتیک، سیاست‌های مشترک توسعه مرزی و غیره) (Kurowska-Pysz, 2016: 156). عامل کلیدی در این برنامه برای ایجاد پایداری اتحاد توسعه همکاری در ابعاد مختلف می‌باشد (Herzog, 2000: 142). تداوم و توسعه این همکاری (اتحاد)، در مناطق مرزی تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد. که شناسایی این عوامل و محرک‌ها ضمن توسعه مناطق مرزی می‌تواند به برنامه‌ریزی در راستای این عوامل و برای بهبود پایداری اتحاد و انسجام در مناطق مرزی با توجه به منابع و پتانسیل‌های مختلف کمک شایانی داشته باشد. لذا نقطه شروع برای توسعه همکاری، ایجاد اتحاد در مناطق مرزی و شناسایی این عوامل و محرک‌ها (هدف این پژوهش) به عنوان یک گام مهم در جهت توسعه مناطق مرزی

۱- European Commission (EC)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

است. این عوامل و محرک‌ها دارای ابعاد و متغیرهای مختلفی بوده و هر یک از محققان با توجه به اهداف تحقیق خود و زمینه کاری به بررسی عوامل اثرگذار در این زمینه اشاره داشته و اولویت‌هایی برای این عوامل و محرک‌ها در نظر گرفته‌اند. به عنوان مثال: فولدی[1] (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای سیاست‌های اقتصادی، اشتغال و امنیت اجتماعی را مهم‌ترین عوامل موثر بر توسعه اتحاد در مناطق مرزی در نظر گرفته است. شیلا[2] و همکاران (۲۰۱۲) زمینه سیاسی-حقوقی و همکاری‌های متقابل اقتصادی، اجتماعی، و زیست محیطی را مهم‌ترین عوامل پایداری مناطق مرزی می‌دانند. دسوزا[3] (۲۰۱۳) در مطالعه به بررسی عوامل پیوند دهنده همکاری کشورهای همسایه در اروپا پرداختند و عوامل اقتصادی، سیاسی، رهبری محلی و متغیرهای فرهنگی را مهم‌ترین عوامل تسهیل کننده همکاری مرزی در نظر گرفتند. بهینک[4] و همکاران (۲۰۱۵) عواملی چون حفاظت از محیط زیست، ارتباطات فرهنگی و هنری، ارتباطات ورزشی و تبادل گردشگر، و ایجاد اتحادیه‌های مشترک را مهم-ترین عوامل موثر بر پایداری و توسعه مناطق مرزی در نظر گرفتند. اسونسن[5] (۲۰۱۵) عواملی چون پیوندهای سیاسی، اقتصادی (صادرات و واردات)، سرمایه اجتماعی، دولت محلی، حمل و نقل را عوامل مهم در پایداری اتحاد مناطق مرزی و پایداری همکاری‌ها در نظر گرفتند. مدیروس[6] (۲۰۱۶)، انسجام اجتماعی و اقتصادی، انسجام ارضی، همکاری ارضی، حاکمیت ارضی، پایداری ارضی را مهم‌ترین عوامل انسجام سرزمینی و پایداری اتحاد در مناطق مرزی در نظر گرفته است. کاستانهو [7]و همکاران (۲۰۱۶)، چهارده عامل مشارکت منطقه‌ای، همکاری‌های زیست محیطی، همکاری در پروژه‌های زیربنایی، حمل و نقل و ترانزیت، ارتباط انرژی، همکاری-های اقتصادی، تعهدات و شفافیت سیاسی، گسترش بازارهای مرزی و منطقه‌ای، پیوند قومی، انجام طرح‌های مشترک، همکاری نهادی (سازمان‌های غیر دولتی)، اصلاحات ارضی، مشارکت دادن شهروندان، و رفع موانع در روابط سیاسی را مهم‌ترین عوامل پایداری انسجام و توسعه مناطق مرزی می‌دانند. استافلن و ون‌استه[8] (۲۱۷)، گردشگری و تبادل گردشگر را عامل مهمی در توسعه مناطق مرزی و افزایش پایداری در این مناطق معرفی نموده و کاستانهو و همکاران (۲۰۱۷) پیوندهای آموزشی، مسائل زیست محیطی، فضای سبز، جذب سرمایه-گذاری و اشتغال، تعهدات سیاسی، همکاری‌های منطقه‌ای، حمل و نقل عمومی و ترانزیت، حفظ فرهنگ و هویت را مهم‌ترین عوامل موثر بر پایداری انسجام سرزمینی و پیوند مناطق مرزی با مناطق مرزی کشورهای دیگر در نظر گرفته‌اند. کروس‌کاپی‌یازی[9] و همکاران (۲۰۱۸) مجموعه‌ای از شاخص‌هایی چون اشتغال، سرمایه-گذاری در تحقیق و توسعه، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، همکاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، بهره‌وری انرژی، همکاری آموزشی، تحصیلی، ترویج مشارکت بین بازیگران محلی و منطقه‌ای را به عنوان عوامل پایداری اتحاد و موفقیت در پروژه‌ها و برنامه‌ریزی همکاری‌های پایدار مناطق در نظر گرفته‌اند جدول(۲).

1- Faludi
2- Chilla
3-De Sousa
4- Boehnke
5- Svensson
6- Medeiros
7- Castanho
8- Stoffelen and Vanneste
9- Kurowska-Pysz

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

در یک نتیجه‌گیری کلی بر اساس آنچه مطرح شد، باید اذعان داشت که پایداری اتحاد و انسجام سرزمینی یکی از بحث‌های مهم در برنامه‌ریزی پایدار همکاری‌ها در مناطق مرزی (CBC) محسوب می‌شود. هر یک از محققان نیز با توجه به زمینه کاری خود به بررسی عوامل مختلف در این زمینه پرداخته و عواملی را برای پایداری اتحاد مناطق مرزی در نظر گرفته‌اند. جنبه مشترک در همه مطالعات به پایداری در همه ابعاد (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و غیره) اشاره داشته‌اند. در این زمینه و در راستای پایداری اتحاد، شناسایی عوامل و محرک‌های موثر از گام‌های اساسی به شمار می‌آید. لذا می‌توان گفت که مناطق مرزی به واسطه‌ی شرایط خاص خود بیشتر از نواحی داخلی کشورها در معرض انواع مشکلات قرار دارند. یکی از شروط اساسی برای برنامه‌ریزی پایدار در مناطق مرزی شناسایی این عوامل و ارائه راهبردهای متناسب با این مناطق می‌باشد. چیزی که هدف این پژوهش است. در ایران این گونه برنامه‌ها و قراردادهایی که منعقد گردیده بیشتر جنبه ملی داشته تا پایداری و توسعه مناطق مرزی. لذا لازم است که در راستای پایداری اتحاد و افزایش همکاری‌های مناطق مرزی ابتدا عوامل و محرک‌های پایداری اتحاد شناسایی شوند و با تکیه بر آن عوامل همکاری‌های مشترک صورت پذیرد.

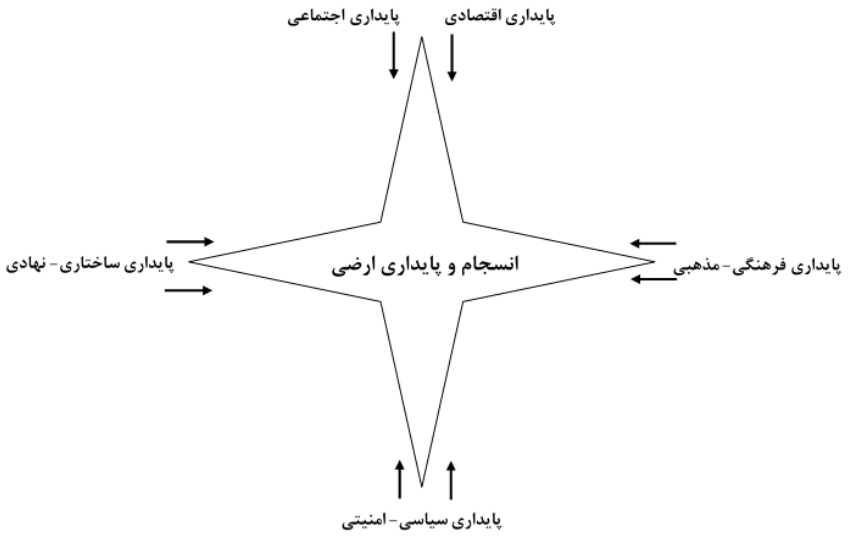

شکل (۱). طرح ستاره، مدل مفهومی ابعاد پایداری ارضی

روش تحقیق

منطقه مورد مطالعه

استان سیستان و بلوچستان با وسعت حدود ۱۸۱۷۸۵ کیلومتر مربع معادل ۱۱/۵ درصد مساحت کشور را به خود اختصاص داده است. این استان از شمال به استان خراسان جنوبی، از جنوب به دریای عمان، از شرق به کشورهای افغانستان و پاکستان و از غرب به استان‌های کرمان و هرمزگان محدود شده است (سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۴: ۲۳). استان سیستان و بلوچستان بر اساس سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۵) دارای ۲،۷۷۲،۹۷۴ نفر جمعیت (۷۰۴۸۸۸ خانوار) بوده که از این تعداد ۱۴۲۷۳۳۲ نفر در نقاط

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

روستایی و ۱۳۴۵۶۴۲ در نواحی شهری سکونت داشته‌اند. در این استان به عنوان یک منطقه دارای تنوع قومی و مذهبی، اقوام مختلفی زندگی می‌کنند که بلوچ‌ها بیشتر در جنوب و سیستانی‌ها در شمال استان و سایرین نیز به طور پراکنده در قسمت‌های مختلف استان زندگی می‌کنند. از نظر جمعیتی به ترتیب اکثریت عبارتند از: بلوچ‌ها، سیستانی‌ها و سایر اقوام (بیرجندی‌ها، یزدی‌ها، و غیره) (میرلطفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۳). زبان‌های اصلی در سیستان و بلوچستان بلوچی، فارسی و براهویی می‌باشد و لهجه‌های بلوچی در مناطق بلوچ‌نشین ایران و پاکستان به مراتب به هم نزدیکترند تا به زبان فارسی (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۵: ۵). از نظر مذهب نیز منطقه سیستان اکثر اهل تشیع و منطقه بلوچستان اکثرا اهل تسنن می‌باشند. استان سیستان و بلوچستان ۱۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشورهای پاکستان و افغانستان و ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی با دریای عمان دارد. همچنین به دلیل قرار گرفتن در موقعیت راهبردی و ترانزیتی از اهمیت فراوانی برخوردار است به ویژه بندر چابهار که تنها بندر اقیانوسی ایران و آسانترین و بهترین راه دسترسی کشورهای آسیای میانه به آب‌های آزاد است. این استان دارای ۱۹ شهرستان به مرکزیت شهر زاهدان می‌باشد و از دو ناحیه سیستان و بلوچستان تشکیل یافته است. منطقه بلوچستان جنوب استان را در برگرفته است و از ۱۴ شهرستان (زاهدان، میرجاوه، خاش، سراوان، ایرانشهر، نیکشهر، چابهار، سرباز، کنارک، دلگان، مهرستان، سیب و سوران، قصرقند، فنوج) تشکیل شده است. منطقه سیستان نیز شمال استان را در برگرفته است و شامل ۵ شهرستان (زابل، زهک، نیمروز، هامون و هیرمند) می‌باشد شکل(۲).

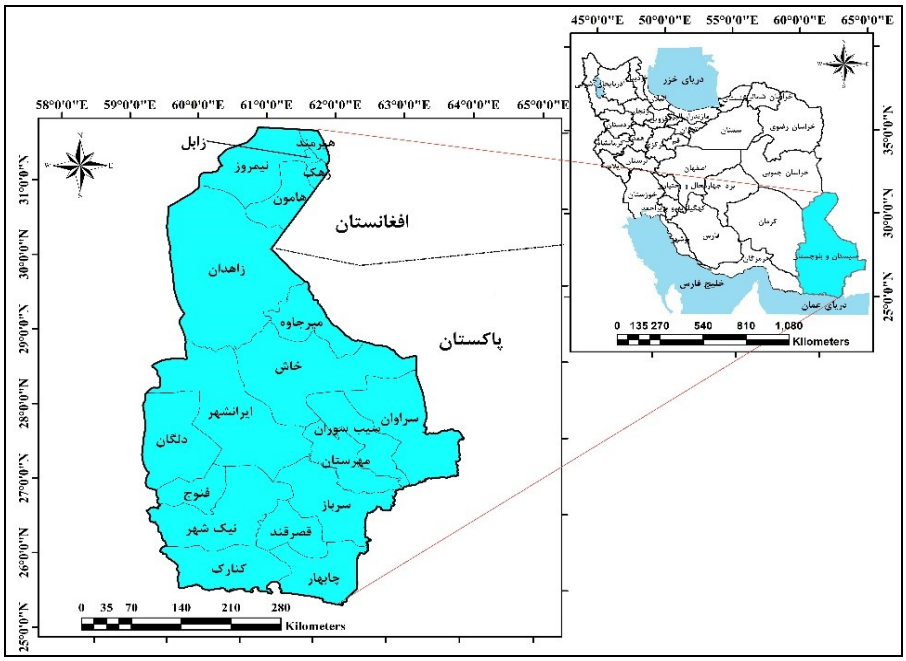

شکل (۲). موقعیت سیاسی منطقه مورد مطالعه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و روش انجام آن ترکیبی (کیفی و کمی) می‌باشد. به این دلیل از روش ترکیبی استفاده شد و از ابزار تحقیقات کیفی مانند مصاحبه در کنار روش کمی و پرسش‌نامه (با طیف لیکرت) به منظور کمک به تحلیل داده‌های کمی و به دست آوردن اطلاعات بهره گرفته و در مورد توضیح منطقه نیز از طریق شیوه‌های کیفی به بررسی منطقه پرداخته شد. لذا برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از هر دو روش کیفی و کمی استفاده شد. مطالعات نظریه‌ای با استفاده از روش اسنادی گردآوری شد. سطوح و مقیاس داده‌ها ترتیبی و فاصله‌ای بوده، توزیع متغیرها هم نرمال می‌باشد. در این تحقیق داده‌ها از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه با کارشناسان جمع‌آوری گردید. جامعه آماری، شامل کارشناسان در رشته‌های مختلف جغرافیا، مدیریت و اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه شناسی، کارشناسان نیروی انتظامی، فرمانداری‌ها و استانداری استان سیستان و بلوچستان است. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۷۰ کارشناس برای تکمیل پرسش‌نامه و انجام مصاحبه انتخاب شد. برای پاسخگویی به سوال تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری (توصیفی و استنباطی) استفاده گردید. روش‌های آماری در نرم‌افزار Eviews نسخه ۹، نرم‌افزار Minitab نسخه ۱۶و Spss نسخه ۲۲ انجام شد. برای رسیدن به جواب سوال تحقیق، ابتدا با استفاده از آزمون‌های توصیفی و مقایسه میانگین‌ها به بررسی مهم‌ترین متغیرهای هر عامل پرداخته شد. در مرحله بعدی و برای بررسی عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری اتحاد مناطق مرزی از مدل لجستیک باینری (روش LM- نیوتن- مارکارد- رافسون) استفاده شد. در این پژوهش، بر اساس ادبیات موضوع و بحث‌های تعاملی با کارشناسان، ۳۰ متغیر و در قالب ۵ عامل که بر پایداری اتحاد مناطق مرزی با کشورهای همجوار اثرگذار بوده، شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

روایی پرسش‌نامه با استفاده از روایی محتوا سنجیده و مورد تأیید قرار گرفت، که توسط افرادی متخصص در موضوع مورد مطالعه تعیین می‌شود. به منظور سنجش پایایی، یک نمونه اولیه شامل ۲۰ پرسش‌نامه پیش- آزمون گرفته شد و میزان ضریب اعتماد با روش آلفای‌کرونباخ[1] محاسبه شد. آلفای کل برابر ۰/۸۲ بود (بالاتر از ۰/۷۰)، که نشان دهنده پایایی قابل قبول ابزار سنجش می‌باشد. جدول(۲).

جدول (۲). میزان آلفای محاسبه شده برای هر عامل

عامل	تعداد متغیر	میزان آلفای کرونباخ
اقتصادی	۶	۰/۸۹
اجتماعی	۶	۰/۸۳
فرهنگی- مذهبی	۶	۰/۸۴
ساختاری- نهادی	۶	۰/۷۹
سیاسی- امنیتی	۶	۰/۷۸
کل	۳۰	۰/۸۲

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

1- Cronbach's alpha

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

نتایج

برای بررسی یافته‌های پژوهش ابتدا با استفاده از اطلاعات سازمانی به بررسی قراردادها و تفاهم‌نامه‌های مرتبط با توسعه همکاری به ویژه قراردادهایی که با کشورهای همجوار با استان سیستان و بلوچستان هستند پرداخته شد. در مرحله بعدی ضمن مقایسه متغیرهای هر عامل، به بررسی عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری اتحاد در مناطق مرزی پرداخته شد.

قراردادهای توسعه همکاری‌های مناطق مرزی (نتایج موردی)

در این مطالعه به دلیل هم‌مرز بودن استان سیستان و بلوچستان با دو کشور افغانستان و پاکستان به بررسی پراکندگی زمانی و موضوعی قراردادهای مرزی ایران با همسایگان شرقی پرداخته شد. کشور افغانستان و پاکستان به لحاظ تاریخی، فرهنگی و سرزمینی دارای اشتراکات بسیاری با کشور ایران است. اما به رغم این اشتراکات زیاد، چالش‌های گوناگونی در مسیر همگرایی این دو کشور وجود دارد. درک روابط ایران با این دو کشور همجوار و حرکت در مسیر توسعه روابط براساس ظرفیت‌ها و نیازهای متقابل ژئوپلیتیکی از موارد مهم بهبود وضعیت مناطق مرزی (به ویژه منطقه مورد مطاله) و خروج آن از بی‌ثباتی و حرکت به سمت توسعه و در نتیجه تأمین امنیت مرزهای شرقی ایران و نیز توسعه مناطق شرق و جنوب‌شرقی ایران است. قراردادها در قالب‌های مختلف معاهده، پروتکل و موافقتنامه در زمینهٔ موضوعات مختلف بین ایران و همسایگان در مناطق مرزی شرقی شناسایی شد. از مجموع قراردادها، تعدادی از آنها با عقد قرارداد بعدی منسوخ و تعدادی از آنها نیز از نظر زمانی منقضی شـده و کاربرد خود را از دست داده‌اند. بررسی این تفاهم‌نامه‌ها و قراردادها جدول(۳) نشان می‌دهد که اکثر آنها در زمینه همکاری‌های اقتصادی، تجاری و انرژی(به جز قرار داد تعیین حقابه رود هیرمند در منطقه سیستان) بوده و سیاست کلی کشور در نظر گرفته شده و تفاهم‌نامه‌های آنچنانی در زمینه پایداری در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، و زیست محیطی بین استان سیستان و بلوچستان و مناطق مرزی این دو کشور بسته نشده است. در این قراردادها و تفاهم‌نامه‌ها توجه چندانی به بحث پایداری اتحاد و همکاری‌های مرزی در استان سیستان و بلوچستان با مناطق کشورهای همسایه در نظر گرفته نشده است. لذا می‌توان گفت که اکثر قراردادها بیشتر جنبه ملی داشته و قراردادهای همکاری در زمینه پایداری همکاری این منطقه با کشورهای مزبور منعقد نشده است. هرچند در برخی قراردادها (مانند تعیین حقابه رودخانه هیرمند) به دنبال مزایایی برای منطقه مورد مطالعه بوده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

جدول (۳). پراکندگی زمانی و موضوعی قراردادهای مرزی ایران با همسایگان شرقی

ردیف	سال	کشور	عنوان	موضوع تفاهم نامه
۱	۱۲۵۱	ایران و افغانستان	معاهده ۱۸۷۵، پاریس: رای گلداسمیت	تعیین حقابه هیرمند
۲	۱۲۸۴	ایران و افغانستان	معاهده ۱۸۷۵، پاریس رای مک‌ماهون	تعیین حقابه هیرمند
۳	۱۳۱۷	ایران و افغانستان	قرارداد رود هیرمند	تعیین حقابه هیرمند
۴	۱۳۲۹	ایران و افغانستان	کمیسیون دلتای رود هیرمند	تعیین حقابه هیرمند
۵	۱۳۳۷	ایران و پاکستان	قرارداد مرزی بین ایران و پاکستان	استفاده محدود از آب برای پاسگاه‌های مرزی
۶	۱۳۵۱	ایران و افغانستان	معاهده تقسیم آب رودخانه هیرمند	تعیین حقابه هیرمند
۷	۱۳۸۰	ایران و افغانستان	صادرات ایران به افغانستان	تفاهم نامه اقتصادی و تجاری بین دو کشور
۸	۱۳۸۲	ایران و پاکستان	ترانزیت و حمل و نقل	تفاهم نامه ترانزیت و حمل و نقل بین ایران و پاکستان
۹	۱۳۸۳	ایران و پاکستان	همکاری‌های انتقال انرژی	تفاهم نامه انتقال انرژی (انتقال گاز بین ایران و پاکستان
۱۰	۱۳۹۰	ایران و افغانستان	همکاری‌های دفاعی	اجلاس کمیسیون همکاری‌های دفاعی
۱۱	۱۳۹۶	ایران و افغانستان	همکاری حمل و نقل	تفاهم‌نامه همکاری ایران و افغانستان در زمینه حمل‌و نقل
۱۲	۱۳۹۶	ایران و پاکستان و افغانستان	همکاری‌های اقتصادی و تجاری	تفاهم نامه تجارت و حمل و نقل، سرمایه گذاری و امور زیربنایی، انرژی

ویژگی‌های فردی و زمینه‌ای پاسخگویان

بررسی این توزیع فراوانی بر اساس ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی گروه سنی، به سه گروه، بین ۳۰ تا ۴۰، ۴۰ تا ۵۰ و ۵۰ سال به بالا تقسیم‌شده است؛ بیشترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال (۸۴/۲ درصد) بوده است. از نظر تحصیلات، ۹۱/۴ درصد دارای مدرک دکترا بوده‌اند. از نظر جنسیت، ۹۵/۷ درصد مرد و مابقی زن می‌باشند. از نظر شغل ۷۴/۲ درصد از پاسخگویان از اساتید دانشگاه‌های مختلف استان سیستان و بلوچستان بوده و مابقی شامل کارشناسان استانداری، فرمانداری‌ها و کارشناسان نیروی‌های انتظامی استان بوده‌اند. از ۷۰ نفر پاسخگو ۱۳ نفر در رشته جغرافیا (برنامه‌ریزی روستایی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و جغرافیایی سیاسی)، ۱۳ نفر مدیریت و اقتصاد، علوم سیاسی ۱۳ نفر، علوم اجتماعی و جامعه شناسی ۱۳ نفر، کارشناسان نیروی انتظامی ۷ کارشناس، ۶ نفر کارشناسان فرمانداری‌ها و ادارات دیگر و ۵ نفر از کارشناسان استانداری استان سیستان و بلوچستان استانداری برای پاسخگویی به سوالات و مصاحبه حضوری (آزاد) به صورت هدفمند انتخاب شدند. جدول (۴).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

جدول (۴). توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه یا جمعیت هدف

مشخصات پاسخ‌دهنده	بیشترین پاسخگو	تعداد پاسخگو	درصد
سن	۴۰- ۵۰	۵۹	۸۴/۲
تحصیلات	دکترا	۶۴	۹۱/۴
جنسیت	مرد	۶۷	۹۵/۷
تأهل	متاهل	۷۰	۱۰۰
شغل	استاد دانشگاه	۵۲	۷۴/۲

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

بررسی متغیرهای عامل اقتصادی

تحلیل میانگین عددی متغیرهای عامل اقتصادی با توجه به نمودار گرافیکی شکل(۳) و میانگین هر یک از متغیرها نشان می‌دهد که همه متغیرهای این عامل در سطح مطلوبی ارزیابی شده‌اند. با احتساب دامنه طیفی که بین ۱ تا ۵ و براساس طیف لیکرت در نوسان است، این میزان برای همه متغیرها بیشتر از مطلوبیت عددی ۳ ارزیابی شده است. متغییر سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی با میانگین ۴/۵۰ و رفع موانع اقتصادی و تجاری مانند تعرفه صادارات و واردات بین مناطق مرزی دو کشور با میانگین ۴/۲۵ نسبت به سایر متغیرها در سطح بالاتری قرار داشته‌اند. سایر متیرها نیز بالاتر از میانگین ۳ قرار دارند. با این حال در بین متغیرهای عامل اقتصادی متغیر تبادل کالاها و تجارت بین دو کشور نسبت به متغیرهای دیگر در سطح پایین‌تری قرار دارد.

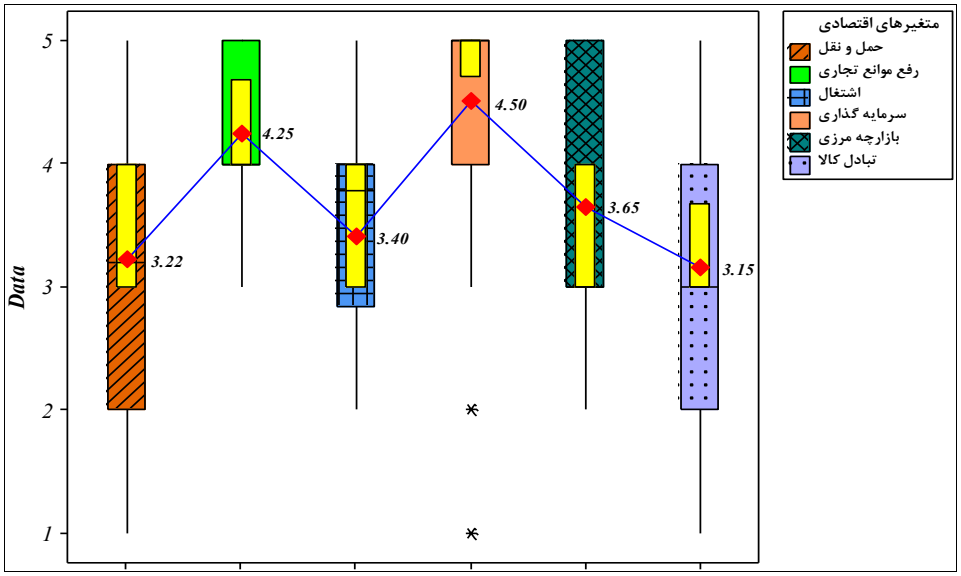

شکل (۳). مقایسه متغیرهای عامل اقتصادی

بررسی متغیرهای عامل اجتماعی

تحلیل میانگین عددی متغیرهای عامل اجتماعی با توجه به شکل(۴) و میانگین هر یک از متغیرها نشان می-دهد که به جز متغیرهای میزان اعتماد بازیگران محلی و منطقه‌ای دو سوی مرز نسبت به همدیگر با میانگین (۲/۳۸) و متغیر همبستگی و تعهد عاطفی بین ساکنان مناطق مرزی دو کشور (۲/۵۳)، میانگین عددی سایر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

متغیرها بیش از مطلوبیت عددی ۳ ارزیابی شده است. در این بین دو متغیر تبادل دانشجو و آموزش عالی و برگزاری نشست‌های علمی (۴/۲۱) و متغیر مشارکت و بسیج بازیگران محلی و منطقه‌ای در روند همکاری‌ها و انجام برنامه‌های توسعه (۳/۹۰) نسبت به سایر متغیرها در سطح بالاتری قرار داشته متغیر میزان اعتماد بازیگران محلی و منطقه‌ای نیز در پایین‌ترین سطح می‌باشند.

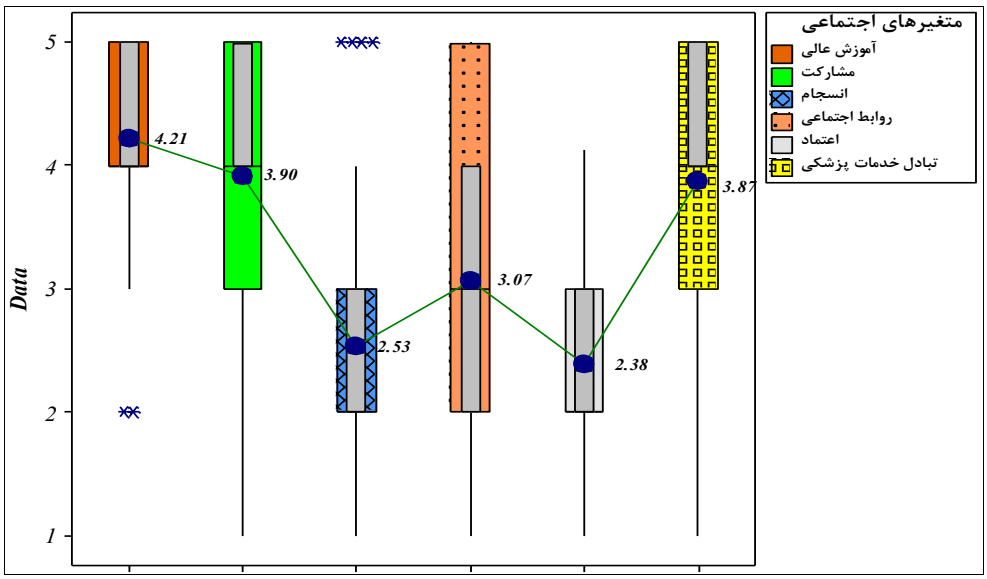

شکل (۴). مقایسه متغیرهای عامل اجتماعی

بررسی متغیرهای عامل فرهنگی- مذهبی

تفاوت میانگین و تحلیل میانگین عددی متغیرهای عامل فرهنگی- مذهبی با توجه به میانگین هر یک از متغیرهای این عامل نشان می‌دهد که به ترتیب متغیرهای وجود اشتراکات فرهنگی بین دو کشور با میانگین عددی (۴/۱۸)، پیوند قومی و زبانی (۴/۱۰) و وابستگی مذهبی بین ساکنان دو سوی مرز (۳/۵۴) نسبت به متغیرهای دیگر در سطح بالاتری قرار گرفته و میانگین عددی آنها نیز بالاتر از مطلوبیت عددی ۳ ارزیابی شده است. به طور کلی می‌توان گفت که به جز متغییر داشتن فامیل و دوستان در دو سوی مرز با میانگین ۲/۹۶ که نسبت به سایر متغیرها در سطح پایین‌تری قرار داشته میانگین سایر متغیرها در سطح نسبتا مطلوبی بود. میانگین متغیرهای عامل فرهنگی- مذهبی در شکل (۵) آورده شد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

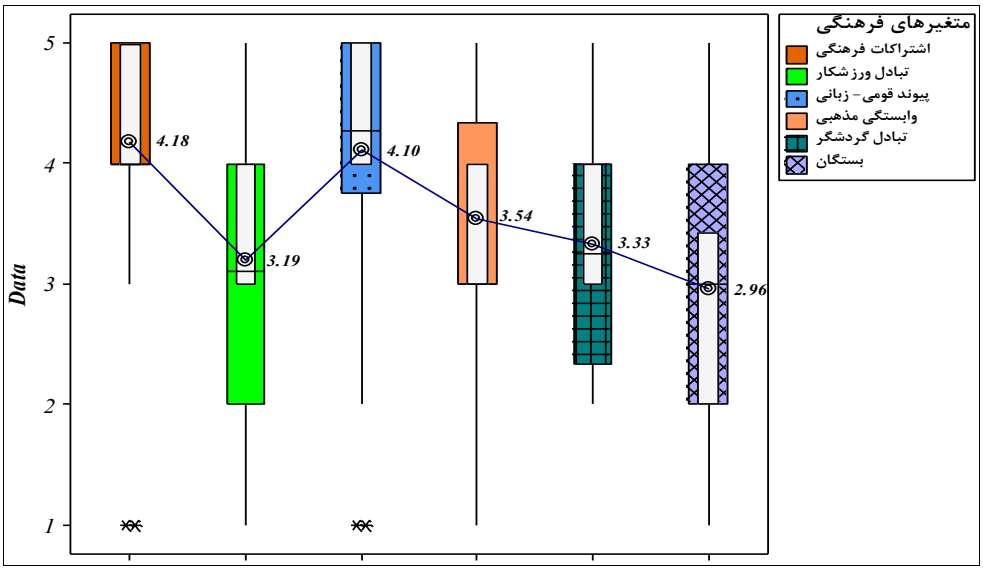

شکل (۵). مقایسه متغیرهای عامل فرهنگی- مذهبی

بررسی متغیرهای عامل ساختاری- نهادی

تحلیل میانگین عددی عامل ساختاری- نهادی در پایداری همکاری و اتحاد مناطق مرزی در منطقه مورد مطالعه با توجه به میانگین این متغیرها نشان می‌دهد که به جز دو متغیرانجام پروژه‌ها و تفاهم‌نامه‌های بلند مدت در زمینه همکاری‌های مرزی (۳/۳۲) و متغیر نقش و کمک‌های دولت به ایجاد همکاری مرزی (۳/۲۰)، میانگین سایر متغیرها کمتر از مطلوبیت عددی ۳ ارزیابی شده است. همانطوری که یافته‌های شکل (۶) نشان می‌دهد، متغیرهای نقش رسانه‌های جمعی (۲/۳۴) و همکاری‌های نهادی (۲/۴۸) کمترین میانگین عددی را به خود اختصاص داده‌اند.

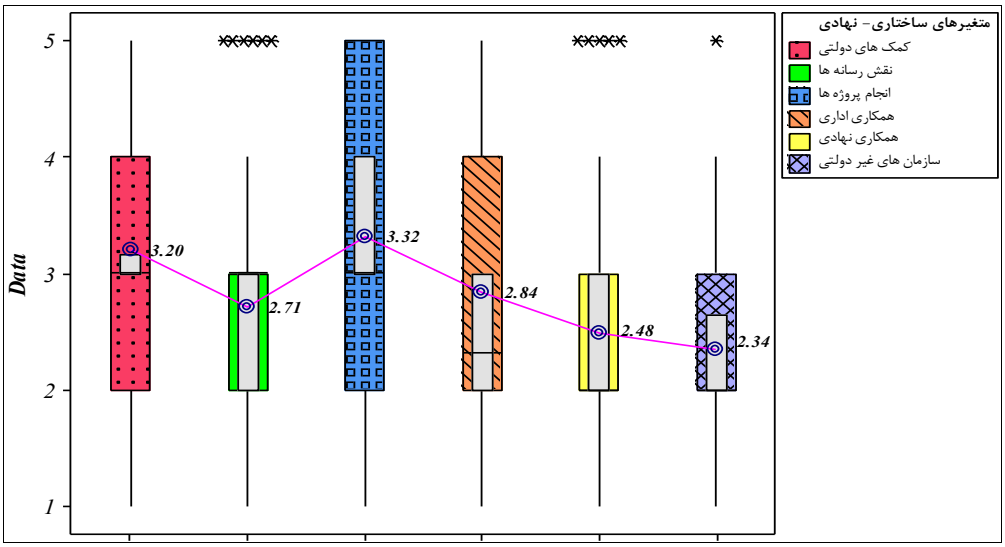

شکل (۶). مقایسه متغیرهای عامل ساختاری- نهادی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

بررسی متغیرهای عامل سیاسی- امنیتی

نهایتا بررسی متغیرهای عامل سیاسی- امنیتی با توجه به نمودار گرافیکی شکل(۷) و میانگین هر یک از متغیرها نشان می‌دهد که همه آن‌ها در سطح مطلوبی ارزیابی شده‌اند. با احتساب دامنه طیفی که بین ۱ تا ۵ و براساس طیف لیکرت در نوسان است، این میزان برای همه متغیرها بیش از مطلوبیت عددی ۳ ارزیابی شده است. متغییر وجود امنیت در مناطق مرزی با میانگین ۴/۴۱ و تصویب طرح‌ها و سیاست‌های مشترک در مورد کنترل مرزها با میانگین ۴/۲۱ نسبت به سایر متغیرها در سطح بالاتری قرار داشته‌اند. سایر متغیرها نیز بالاتر از میانگین ۳ قرار دارند. با این حال در بین متغیرهای عامل سیاسی- امنیتی متغیر همکاری مناطق دو کشور در جلوگیری از اشتغال غیرقانونی نسبت به متغیرهای دیگر در سطح پایین‌تر می‌باشد.

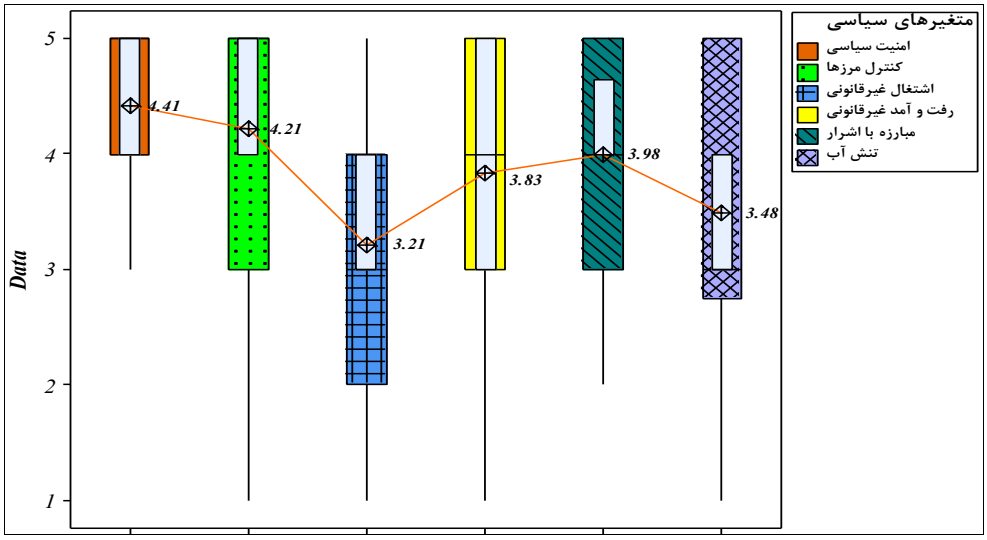

شکل (۷). مقایسه متغیرهای عامل سیاسی- امنیتی

بررسی عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری اتحاد در مناطق مرزی

برای بررسی عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری اتحاد در مناطق مرزی، از مدل لجستیک باینری استفاده شد. نخستین خروجی در تحلیل مدل، آماره $H.L$ و X^2 برای سنجش اعتبار و نیکویی مدل است که از نتیجه اجرای آزمون (Hosmer- Lemeshow) HL به دست می‌آید. سطح معنی‌داری و مقدار این آماره بیانگر معنی‌داری و نیکویی برازش آن با داده‌های آماری می‌باشد. جدول(۵).

جدول (۵). آزمون HL برای سنجش اعتبار و معنی‌داری مدل

آماره H-L	آماره χ^2	سطح معنی‌داری (p)
۹/۸۵۹	۰/۳۷۶	۰/۰۰۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

در شکل (۸) نیز اثرات واقعی (رنگ قرمز)، برازش شده (رنگ سبز) و اثرات باقیمانده (رنگ آبی)، ارتباط خطی بین عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری اتحاد در مناطق مرزی آورده شده که نشان دهنده برازش مناسب رابطه خطی و معنی‌دار بین این عوامل و پایداری اتحاد در مناطق مرزی در استان سیستان و بلوچستان است.

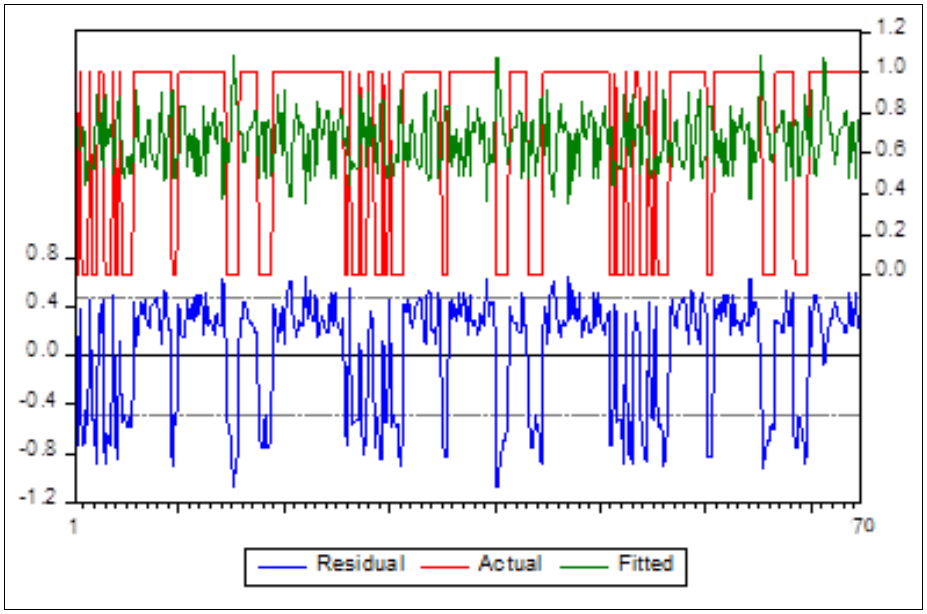

شکل (۸). برازش مدل عوامل و متغیرهای موثر بر پایداری اتحاد در مناطق مرزی

پس از اطمینان از اعتبار و برازش مدل، به ارزیابی اثرات مجموعه متغیرهای مستقل (متغیرهای عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی- مذهبی، ساختاری- نهادی و سیاسی- امنیتی) در برآورد متغیر وابسته (پایداری اتحاد) پرداخته شد. نتایج نشان داد که از بین ۳۰ متغیر تحقیق، ۱۳ متغیر (متغیرهای با علامت **) اثرات بیشتری با پایداری اتحاد در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان دارند. سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ نشان می‌دهد که متغیرهای رفع موانع تجاری، افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی، ایجاد بازارچه‌های مرزی مشترک، آموزش عالی و تبادل دانشجو، افزایش مشارکت اجتماعی بین مناطق دو طرف مرز، اشتراکات فرهنگی بین منطقه مرزی سیستان و بلوچستان و دو کشور افغانستان و پاکستان، ارتباط پزشکی و تبادل پزشک و خدمات پزشکی، وجود پیوند زبانی و قومی، وابستگی مذهبی، ایجاد امنیت سیاسی در دو سوی مرز، کنترل مرزها و جلوگیری از ناامنی در مرز دو کشور، و جلوگیری از رفت و آمدهای غیر قانونی و هماهنگی در مبارزه با اشرار ارتباط مثبت و معناداری (در سطح ۰/۰۱) با افزایش انسجام سرزمینی و پایداری اتحاد در منطقه سیستان و بلوچستان با دو کشور همسایه افغانستان و پاکستان داشته‌اند. بررسی یافته‌ها نشان داد که کارشناسان به عنوان جامعه آماری پژوهش، سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی و سرمایه‌گذاری مشترک در هر دو منطقه مرزی با ضریب (۰/۸۸۶) را مهم‌ترین متغیر موثر بر ایجاد پایداری اتحاد در مناطق مرزی دانسته و معتقد بودند که سرمایه‌گذاری گروه‌های مختلف (مردم محلی و دولت ملی و نهادهای غیردولتی) در راستای ایجاد کسب و کار، سرمایه‌گذاری در زمینه‌هایی مانند حمل و نقل، حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

ورزشی، تفریحی و گردشگری، برنامه‌ریزی فضایی و برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای علاوه بر رفع مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در مناطق مرزی باعث افزایش پایداری اتحاد در این مناطق می‌شود. لذا کارشناسان این متغیر را مهم‌ترین متغیر موثر بر پایداری اتحاد مناطق مرزی در نظر گرفته‌اند. با توجه به اینکه امنیت از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای رسیدن به درجات قابل اتکایی از ثبات است و کسب و حفظ آن مهم‌ترین اولویت در سیاست داخلی و خارجی دولت‌هاست، توسعه و تکامل جامعه به ویژه در مناطق مرزی نیز وابسته به امنیت در این مناطق است. همچنین برقراری امنیت در مناطق مرزی ضمن توسعه این مناطق و ایجاد پایداری و اتحاد در مناطق مرزی، از مهاجرت به شهرها و نواحی دیگر جلوگیری می‌کند. لذا کارشناسان ایجاد امنیت سیاسی در مناطق مرزی با ضریب (۰/۷۵۶)، که ایجاد پایداری و توسعه مناطق مرزی وابستگی زیادی به آن دارد را به عنوان دومین متغیر مهم در نظر گرفتند. با توجه به مصاحبه‌ای که با کارشناسان انجام گرفت، آنان اظهار داشتند که اگر امنیت در مناطق مرزی حاکم باشد و این مناطق از هرگونه فعالیت‌های غیرقانونی از قبیل قاچاق کالا و مواد مخدر، ترددهای غیرمجاز و شرارت به دور باشد، این امر ضمن ایجاد پایداری و ایجاد اتحاد در مناطق مرزی دو سوی مرز، به‌نوبه خود باعث توسعه این مناطق و افزایش انگیزه مرزنشینان برای ماندگاری در منطقه خود می‌گردد. کارشناسان به عنوان جامعه آماری پژوهش، اظهار داشتند، با توجه به موقعیت استراتژیک استان سیستان و بلوچستان و به ویژه بندر مهم این استان (چابهار) و نقشی که این استان می‌تواند در روابط تجاری، توسعه بازارهای اقتصادی افغانستان و پاکستان داشته باشد، ضروری است که روابط تجاری و اقتصادی با این کشورها گسترش پیدا کند و ضمن توسعه منطقه سیستان و بلوچستان باعث افزایش همکاری سه کشور گردد و به نوبه باعث توسعه منطقه سیستان و بلوچستان و افزایش اتحاد و پایداری در مناطق مرزی این کشورها و منطقه مورد مطالعه گردد. برای تحقق این امر، رفع موانع اقتصادی و تجاری مانند کاهش تعرفه صادارات و واردات بین مناطق دو کشور از ضرورت‌های مهم می‌باشد. لذا می‌توان گفت که رفع موانع تجاری با ضریب (۰/۶۹۹) به عنوان سومین متغیر مهم در زمینه ایجاد پایداری اتحاد و توسعه همکاری‌های مناطق مرزیمحسوب می‌شود. پاسخگویان معتقد بودند برای ایجاد پایداری اتحاد در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان و برقراری امنیت که پیش‌نیاز توسعه اقتصادی، اجتماعی در این استان می‌باشد، ابتدا لازم است که کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان با تصویب طرح‌ها و سیاست‌های مشترک در زمینه کنترل مرزها از زمینه‌های ایجاد کننده ناپایداری مانند رفت و آمدهای غیرقانونی، مبارزه با اشرار و تروریست‌ها در مناطق مرزی مشترک را در برنامه‌های توسعه منطقه‌ای خود قرار دهند. به همین خاطر تصویب طرح‌ها و سیاست‌های مشترک در مورد کنترل مرزها با ضریب (۰/۶۴۳) را به عنوان چهارمین متغیر مهم در نظر گرفته‌اند.. استان سیستان و بلوچستان به لحاظ تاریخی، فرهنگی و سرزمینی دارای اشتراکات بسیاری با کشورهای پاکستان و افغانستان است. همچنین وجود تشابهات فرهنگی با کشور مناطق مرزی این دو کشور در نوع پوشش، ذائقه و برخی آداب و رسوم پیوند زبانی و قومی و وابستگی مذهبی (به ویژه در منطقه بلوچستان) و غیره، همه نشان از وجود یک پیوند ناگسستنی تاریخی بین این استان با کشورهای همجوار دارد. اما به رغم این اشتراکات زیاد فرهنگی، چالش‌های گوناگونی در مسیر همگرایی این دو کشور وجود دارد که باعث بی‌ثباتی و در نتیجه عدم امنیت مرزهای مشترک است. وجود اشتراکات فرهنگی بین دو کشور یکی از موارد مهم می‌-

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

باشد که می‌تواند باعث ایجاد همبستگی این استان با مناطق مرزی کشورهای همسایه شود. با توجه به این تفاسیر داشتن اشتراکات فرهنگی با ضریب (۰/۵۶۱) به عنوان پنجمین اولویت مهم و تاثیرگذار بر ایجاد پایداری مرزی در نظر گرفته شد. ارتباط آموزش عالی و تبادل دانشجو با ضریب (۰/۵۴۸)، پیوندهای زبانی و قومی منطقه مورد مطالعه با مناطق همجوار در دو کشور پاکستان (بیشتر با منطقه بلوچستان) و افغانستان (بیشتر با منطقه سیستان) با ضریب (۰/۵۴۷)، مشارکت در مناطق مرزی در زمینه مبارزه با اشرار (۰/۴۷۵)، مشارکت اجتماعی (۰/۴۷۲) و تعامل در ارائه امکانات پزشکی به دو منطقه مرزی (۰/۴۶۹) نیز از جمله مهم-ترین متغیرهای موثر و تاثیرگذار بر ایجاد پایداری اتحاد و انسجام سرزمینی بین منطقه سیستان و بلوچستان به عنوان منطقه مورد مطالعه و مناطق هم مرز با دو کشور افغانستان و پاکستان بوده‌اند. سایر متغیرهای توضیحی در ارتباط با متغیرهای موثر بر پایداری اتحاد در منطقه سیستان و بلوچستان به طور کامل در جدول (۶) آورده شد.

جدول (۶). عوامل و متغیرهای موثر بر پایداری اتحاد مناطق مرزی

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره z	معنی‌داری	عامل
حمل و نقل	۰/۲۷۳*	۰/۰۳۹	۳/۵۲۵	۰/۰۰۵	اقتصادی** (۰/۴۷۸)
رفع موانع تجاری	۰/۶۹۹**	۰/۰۴۹	۹/۹۹۸	۰/۰۰۰	
اشتغال	۰/۳۲۴*	۰/۰۴۱	۴/۰۰۲	۰/۰۰۳	
سرمایه‌گذاری	۰/۸۸۶**	۰/۰۵۸	۱۳/۷۶۴	۰/۰۰۰	
بازارچه‌های مرزی	۰/۴۶۳**	۰/۰۴۵	۶/۰۳۵	۰/۰۰۱	
تبادل کالاها	۰/۲۱۸*	۰/۰۳۷	۳/۰۰۱	۰/۰۰۵	
ارتباطات آموزش عالی	۰/۵۴۸**	۰/۰۴۸	۸/۸۵۶	۰/۰۰۰	اجتماعی* (۰/۳۰۹)
مشارکت اجتماعی	۰/۴۷۲**	۰/۰۴۷	۷/۲۲۱	۰/۰۰۱	
انسجام اجتماعی	۰/۱۲۲	۰/۰۳۵	۱/۸۶۳	۰/۰۶۴	
روابط اجتماعی	۰/۱۹۸	۰/۰۳۶	۲/۸۷۹	۰/۰۵۴	
اعتماد اجتماعی	۰/۰۴۶	۰/۰۳۰	۰/۶۸۴	۰/۲۳۱	
ارتباط پزشکی	۰/۴۶۹**	۰/۰۴۷	۷/۰۱۱	۰/۰۰۱	
اشتراکات فرهنگی	۰/۵۶۱**	۰/۰۴۹	۹/۱۰۷	۰/۰۰۰	فرهنگی- مذهبی** (۰/۳۶۳)
ارتباطات ورزشی	۰/۲۱۹*	۰/۰۳۷	۳/۰۰۲	۰/۰۰۵	
پیوند زبانی و قومی	۰/۵۰۲**	۰/۰۴۸	۸/۷۱۶	۰/۰۰۰	
وابستگی مذهبی	۰/۴۰۹**	۰/۰۴۴	۵/۲۱۰	۰/۰۰۱	
تبادل گردشگر	۰/۲۹۹*	۰/۰۳۹	۳/۹۸۸	۰/۰۰۳	
وجود بستگان	۰/۱۹۰	۰/۰۳۶	۲/۶۹۸	۰/۰۰۶	
نقش دولت	۰/۲۱۹*	۰/۰۳۷	۳/۰۰۲	۰/۰۰۵	ساختاری- نهادی (۰/۱۶۳)
نقش رسانه‌ها	۰/۱۲۵	۰/۰۳۵	۱/۸۷۲	۰/۰۶۷	
همکاری اداری	۰/۱۵۱	۰/۰۳۶	۲/۳۸۸	۰/۰۶۴	
پروژه‌های مشترک	۰/۲۹۰*	۰/۰۳۹	۳/۸۴۵	۰/۰۰۳	
همکاری نهادی	۰/۱۰۳	۰/۰۳۵	۱/۱۷۸	۰/۰۵۴	
سازمان‌های غیردولتی	۰/۰۹۳	۰/۰۳۴	۱/۰۷۳	۰/۰۵۶	

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

امنیت سیاسی	۰/۷۵۶**	۰/۰۵۳	۱۱/۱۲۳	۰/۰۰۰	سیاسی- امنیتی** (۰/۴۷۳)
کنترل مرزها	۰/۶۴۳**	۰/۰۴۹	۹/۴۴۷	۰/۰۰۰	
اشتغال کاذب و غیرقانونی	۰/۲۲۵*	۰/۰۳۸	۳/۱۲۵	۰/۰۰۵	
رفت و آمدهای غیر قانونی	۰/۴۱۳**	۰/۰۴۴	۵/۶۳۵	۰/۰۰۱	
مبارزه با اشرار	۰/۴۷۵**	۰/۰۴۷	۷/۳۲۱	۰/۰۰۱	
رفع تنش‌های آبی	۰/۳۲۹*	۰/۰۴۱	۴/۲۱۸	۰/۰۰۲	
خلاصه مشاهده					
مقیاس: C: (۳۰)	**۰/۳۵۶**	**۰/۰۴۱**	**۱۰/۸۹۷**	**۰/۰۰۱**	
احتمال ورود	**تعداد مشاهده**			**۷۰**	
	میانگین احتمال ورود			**۵/۶۷۸**	
	انحراف رگرسیون			**۰/۲۳۹**	
*** معنی‌داری در سطح ۵ درصد؛ **معنی‌داری در سطح ۱ درصد**					

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

یافته‌های مدل لجستیک در زمینه عوامل و محرک‌های کلی موثر بر پایداری اتحاد مناطق مرزی نشان می‌دهد که از بین ۵ عامل در نظر گرفته شده، سه عامل (علامت**) بیشترین اثر را بر پایداری اتحاد و انسجام در استان سیستان و بلوچستان داشته‌اند. ضریب هر یک از عوامل و محرک‌های کلی نشان داد که عوامل اقتصادی با ضریب (۰/۴۷۸)، سیاسی- امنیتی (۰/۴۷۳) و فرهنگی- مذهبی (۰/۳۶۳) بیشترین اثرات را بر پایداری اتحاد مناطق مرزی داشته‌اند. شکل (۹) شدت و ضعف اثرات هریک از ۵ عامل را نشان می‌دهد. از بین این عوامل و محرک‌ها، بیشترین اثر مربوط به عامل اقتصادی (۰/۴۷۸)، و کمترین مربوط به عامل نهادی- ساختاری (۰/۱۶۳) بوده است. لذا سؤال پژوهش مبتنی بر شناسایی مهم‌ترین عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری اتحاد در منطقه مورد مطالعه پاسخ داده شد. این نکته نیز لازم به ذکر است که یکی از شرط کلیدی و مهم برای توسعه اتحاد مرزی بالا بردن آگاهی مردم محلی و آماده‌سازی گروه‌هایی چون سرمایه‌گذاران، سازمان‌های غیر دولتی به خصوص ایجاد کسب و کار برای مناطق مرزی در سطوح مختلف است. برای تحقق برنامه‌های همکاری مناطق مرزی شناسایی عوامل و محرک‌های اثرگذار بر این امر از موارد مهم و ضروریات توسعه مناطق مرزی می‌باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

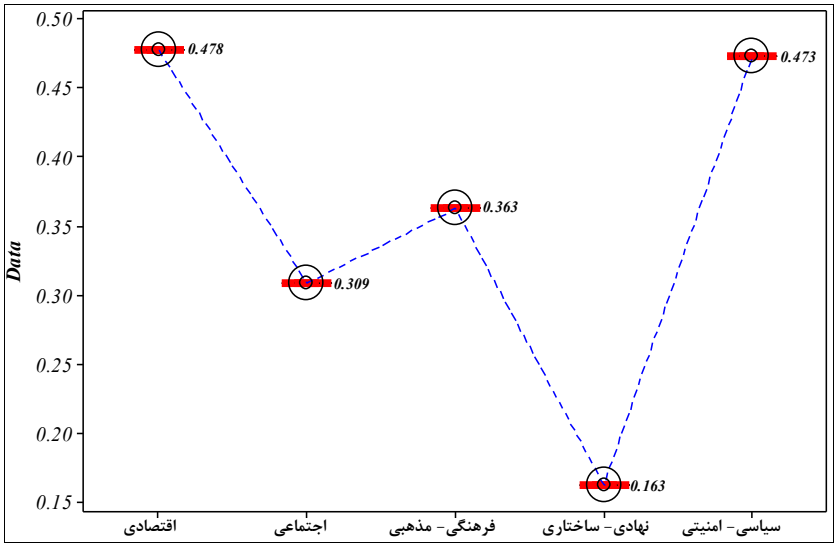

شکل (۹). مقادیر کلی عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری اتحاد مناطق مرزی

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در سال‌های اخیر، همکاری میان کشورها برای پایداری اتحاد و انسجام سرزمین به منظور توسعه پایدار در مناطق مرزی به یک مسئله حیاتی تبدیل شده است. در این راستا، روش‌های مختلفی برای برنامه‌ریزی فضایی و پایدار به منظور توسعه همکاری‌های مناطق مرزی و تحت عنوان برنامه (CBC) در کشورهای مختلف (به ویژه در اروپا) تصویب و اجرا شد. هدف این برنامه‌ها ایجاد پایداری اتحاد و توسعه همکاری نهادهای مختلف در راستای استفاده از پتانسیل و منابع برای توسعه پایدار همکاری‌های مرزی است. قراردادهای بین‌المللی مانند معاهدات، پروتکل‌ها و موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه از ابزارهای مهم برای پایداری همکاری‌های مناطق مرزی می‌باشد که موجب کاهش احتمال و شدت اختلاف و مناقشه بین کشورهای ذیربط می‌شوند. نهادینه کردن این همکاری‌ها (به عنوان یک نتیجه از یک توافق، معاهده و غیره) از عوامل مهم ثبات اتحاد و حصول اطمینان از تداوم و دوام آن است. در ایران هر چند در زمینه توسعه همکاری‌ها با کشورهای همسایه قراردادها و تفاهم‌نامه‌هایی منعقد شده است؛ ولی این قراردادها اکثرا جنبه ملی داشته تا برنامه‌ریزی‌های پایدار و همکاری و اتحاد بین مناطق مرزی. بررسی تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهایی که مرتبط با استان سیستان و بلوچستان بوده نیز نشان داد که اکثر آنها در زمینه (به جز قرار داد تعیین حقابه رود هیرمند در منطقه سیستان) همکاری‌های اقتصادی، تجاری و انرژی بوده و سیاست کلی کشور در نظر گرفته شده و تفاهم‌نامه‌های آنچنانی در زمینه پایداری در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، و زیست محیطی بین استان سیستان و بلوچستان و مناطق مرزی این دو کشور منعقد نشده است. همچنین در این برنامه‌ها در راستای پایداری اتحاد مناطق مرزی توجه چندانی به نقش دولت‌های محلی، توان‌های محلی و ظرفیت‌های نهادی برای ارزیابی نیازهای ساکنان محلی برای همکاری‌های مرزی نشده است. برای افزایش اتحاد سرزمینی و ایجاد پایداری اتحاد در مناطق مرزی و در ابعاد مختلف، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی- امنیتی و غیره، شناسایی عوامل و محرک‌های موثر در این زمینه برای ثبات اتحاد و حصول اطمینان از تداوم آن از مسائل مهم و ضروری به شمار می‌رود. در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

این پژوهش نیز با توجه به اهمیت این موضوع، با استفاده از برنامه‌ریزی پایدار توسعه همکاری‌های مناطق مرزی (CBC)، به بررسی عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری اتحاد مناطق مرزی در استان مرزی سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی کشور پرداخته شد. در زمینه برنامه‌ریزی برای پایداری اتحاد در استان سیستان و بلوچستان نتایج نشان داد که در زمینه توسعه همکاری‌های منطقه‌ای طرح یا برنامه‌ای تصویب و اجرا نشده و به جز قرارداد تعیین حقابه رودخانه هیرمند در منطقه سیستان که با کشور افغانستان در چند دوره زمانی منعقد شد سایر تفاهم‌نامه‌های همکاری مربوط به سیاست‌های کلی کشور بوده و توجه چندانی به پایداری ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، و زیست محیطی بین استان سیستان و بلوچستان و مناطق مرزی این دو کشور بسته نشده است. در زمینه عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری اتحاد در مناطق مرزی از نظر کارشناسان، نتایج نشان داد که از بین ۳۰ متغیر مورد نظر، بیشترین نقش و اثر به ترتیب مربوط به متغیرهای سرمایه‌گذاری مشترک در هر دو منطقه، ایجاد امنیت سیاسی در مناطق مرزی، رفع موانع تجاری، تصویب طرح‌ها و سیاست‌های مشترک در مورد کنترل مرزها و وجود اشتراکات فرهنگی بین استان سیستان و بلوچستان و کشورهای افغانستان و پاکستان بوده و کارشناسان این پنج متغیر را مهم‌ترین متغیرهای اثر بخش در ایجاد پایداری اتحاد و توسعه همکاری‌های مناطق مرزی در نظر گرفتند. از بین پنج عامل کلی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی- مذهبی، نهادی- ساختاری و سیاسی امنیتی، سه عامل اقتصادی با ضریب (۰/۴۷۸)، سیاسی- امنیتی (۰/۴۷۳) و فرهنگی- مذهبی (۰/۳۶۳) بیشترین اثرات را بر پایداری اتحاد مناطق مرزی داشته‌اند. با توجه به این تفاسیر می‌توان گفت که برای نهادینه کردن و توسعه همکاری‌های مرزی در استان سیستان و بلوچستان با کشورهای همجوار باید علاوه بر مشارکت دادن مردم محلی در مناطق مرزی به این عوامل و محرک‌ها در راستای برقراری اتحاد و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در منطقه مورد مطالعه توجه کافی داشت. در راستای یافته‌های این پژوهش پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد: الف) اولین پیشنهادی که برای برنامه‌ریزی در مناطق مرزی می‌توان ارائه نمود این است که در معاهدات و تفاهم‌نامه‌هایی که با کشورهای همجوار منعقد می‌شود به عوامل و محرک‌های منطقه‌ای موثر بر پایداری همکاری‌ها و اتحاد در مناطق مرزی توجه شود و ابتدا این عوامل و محرک‌ها شناسایی گردند؛ ب) سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مرزی و از جمله در استان سیستان و بلوچستان مانند ایجاد صنایع مختلف با توجه به پتانسیل‌های این منطقه، ایجاد صنایع روستایی و صنایع خانگی و ایجاد اشتغال در نواحی مرزی استان ضمن کاهش شغل‌های کاذب مانند قاچاق کالا و سوخت و تامین معیشت از راه‌های نامشروع و پر خطر، می‌تواند از رفت و آمدهای غیر قانونی به کشورهای همجوار بکاهد و باعث افزایش امنیت اقتصادی خانوارها گردد که این امر به‌نوبه خود از ناامنی‌های موجود در منطقه مورد مطالعه جلوگیری کرده و زمینه دستیابی به اتحاد و انسجام بیشتر با مناطق مرزی کشورهای همجوار را فراهم می‌کند؛ پ) برای توسعه همکاری‌های مناطق مرزی و انعقاد تفاهم‌نامه‌های مشترک با کشورهای همسایه، فقط سیاست‌های ملی در نظر گرفته نشود و سعی شود که برای ایجاد پایداری همکاری و پایداری اتحاد بین مناطق مرزی مسائل و مشکلات مناطق مرزی نیز در نظر گرفته شود و به پیوندهای اقتصادی (مانند حمل و نقل، رفع موانع تجاری، نقش بازارچه‌های مرزی)، نهادی و ساختاری (مانند همکاری نهادی، نقش سازمان‌های غیردولتی و مردم محلی)، پیوندهای اجتماعی- فرهنگی (مانند اشتراکات فرهنگی،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

پیوند زبانی و قومی، وابستگی مذهبی، روابط اجتماعی و مشارکت دادن مردم محلی در برنامه‌ها)، مناطق مرزی کشور با مناطق مرزی کشورهای همجوار نیز توجه ویژه‌ای گردد؛ ت) با توجه به اینکه از نظر کارشناسان پیوندهای اقتصادی مهم‌ترین عامل پایداری اتحاد می‌باشد با تقویت شبکه ارتباطی و ترانزیت بین دو کشور همسایه، رفع موانع اقتصادی و تجاری مانند تعرفه صادارات و واردات بین مناطق دو کشور، ایجاد زمینه مناسب اشتغال در مناطق مرزی، یکپارچه سازی سرمایه‌گذاری در سراسر مناطق مرزی، ایجاد بازارچه‌های مرزی و تبادل کالاها (به شرط مشارکت دادن افراد بومی و محلی در مبادلات تجاری) و تجارت بین مناطق همسایه دو کشور می‌توان به افزایش پایداری در این مناطق و رونق بخشیدن به معیشت مناطق مرزی (که اغلب با کمبود گزینه‌های معیشتی روبرو هستند) و در نتیجه ایجاد ثبات در این مناطق رسید؛ ث) گسترش فعالیت‌های تولیدی کوچک مطابق با ویژگی‌های انسانی و محیطی منطقه مورد مطالعه از جمله صنایع کوچک (با توجه به پتانسیل و ظرفیت منطقه) می‌تواند از طریق صادرات محصولات به کشورهای همجوار مسئله اشتغال‌زایی خانوارهای ساکن در این منطقه را تا حدودی برطرف نماید. رفع شدن وضعیت اشتغال در این منطقه باعث کاهش انواع مختلف قاچاق و جلوگیری از رفت و آمدهای غیرقانونی در منطقه می‌گردد و به نوبه خود این امر باعث پایداری امنیت در منطقه مورد مطالعه می‌شود؛ ج) استان سیستان و بلوچستان دارای تشابهات فرهنگی زیادی با دو کشور پاکستان (بیشتر با منطقه بلوچستان) و افغانستان (بیشتر با منطقه سیستان) می‌باشد. اما به رغم این اشتراکات زیاد فرهنگی، چالش‌های گوناگونی در مسیر توسعه این دو کشور وجود دارد که باعث بی-ثباتی و در نتیجه کاهش پایداری اتحاد در این منطقه شده است. توجه به عامل اشتراکات فرهنگی- مذهبی و در نظر گرفتن پیوند زبانی و قومی، وابستگی مذهبی و داشتن بستگان در مناطق مرزی دو کشور همسایه می-تواند باعث پیوند بیشتر مناطق مرزی با مناطق مرزی کشورهای همجوار خود گردد. لذا توجه به این عامل در برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌تواند به پایداری فعالیت‌ها و برنامه و مهم‌تر پایداری انسجام سرزمینی کمک شایانی داشته باشد؛ د) نهایتاً می‌توان گفت که در سایه وجود امنیت بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز توسعه پیدا خواهند کرد و این امر افزایش کیفیت زندگی و رفاه اقتصادی و اجتماعی به‌ویژه مرزنشینان کشور عزیزمان که به‌عنوان پاسداران کشور به‌حساب می‌آیند را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین می‌توان گفت که شناسایی عوامل ناپایداری امنیت در استان سیستان و بلوچستان مانند اشتغال کاذب و غیرقانونی رفت و آمدهای غیر قانونی و با کنترل بیشتر مرزها و مبارزه با اشرار در این استان و مناطق مرزی دو کشور همسایه می‌توان باعث ایجاد امنیت و در نتیجه پایداری انسجام مرزی این مناطق گردید. همچنین توصیه می‌شود مطالعات بیشتری در مورد عوامل موثر بر پایداری و انسجام در مناطق مرزی، مانند رهبری محلی و سنجش نگرش آنها، نقش سرمایه‌گذاری دولت، نقش سازمان‌های غیردولتی و غیره انجام گیرد. بنابراین ضروری است که در این خصوص دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان فرآیند توسعه مناطق مرزی به اهمیت نقش عوامل و محرک-های موثر بر ثبات مناطق مرزی و پایداری همکاری‌های منطقه‌ای به ویژه در استان سیستان و بلوچستان (به علت همسایگی با کشورهای ناپایداری چون افغانستان و پاکستان) توجه کافی داشته باشند. مقایسه نتایج به دست آمده با تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که در تحقیق حاضر، عوامل اقتصادی، فرهنگی- مذهبی و سیاسی- امنیتی مهم‌ترین عوامل و محرک‌های موثر بر پایداری اتحاد در مناطق مرزی هستند. نتایج این این

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

مطالعه در زمینه عامل اقتصادی با نتایج مطالعه شیلا و همکاران (۲۰۱۲)، دسوزا (۲۰۱۳)، کاستانهو و همکاران (۲۰۱۷)، کروس‌کاپی‌یازی و همکاران (۲۰۱۸) همسو بوده، در زمینه عوامل سیاسی- امنیتی با نتایج مطالعه اسونسن (۲۰۱۵) و کاستانهو و همکاران (۲۰۱۶)، در زمنیه عامل فرهنگی با نتایج مطالعه بهینک و همکاران (۲۰۱۵) و مدیروس (۲۰۱۶)، همسو بود و نتایج این مطالعات را تایید می‌کند. لازم به ذکر است که در داخل کشور مطالعه‌ای در این زمینه صورت نگرفته که بتوان نتایج را با آن مقایسه نمود.

منابع

بیگدلو، رضا، طولابی‌نژاد، مهرشاد، پایدار، ابوذر، (۱۳۹۶)، **بررسی تاثیر عملکرد نیروی انتظامی در برقراری امنیت روستاهای مناطق مرزی (مورد مطالعه: روستاهای حوزه استحفاظی شهرستان میرجاوه)**، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۰ (۳۶): ۴۹- ۷۶.

پیشگاهی‌فرد، زهرا، (۱۳۸۸)، **ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها**، فصلنامه ژئوپلتیک، ۵ (۱): ۴۷- ۷۱.

تودارو، مایکل، (۱۳۶۳)، **برنامه‌ریزی توسعه: مدل‌ها و روش‌ها**، ترجمه عباس عرب‌مازار، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

رضازاده، زهره، شاطری، مفید، راستی، عمران، (۱۳۹۳)، **اقدامات توسعه‌ای و نقش آن در تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی (مطالعه موردی: کمربند سبز دشت خوشاب/ مرز خراسان جنوبی با افغانستان)**، فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، ۹ (۱): ۴۹- ۷۲.

سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان (۱۳۹۴)، **فصل اول، سرزمین و آب و هوا**، صص ۲۱- ۸۶.

عندلیب، علیرضا، معطوف، شریف، (۱۳۸۸)، **توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران**، نشریه باغ‌نظر، ۶ (۱۲): ۵۷- ۷۶.

قالیباف، محمدباقر؛ یاری‌شگفتی، اسلام و رمضان‌زاده لسبویی، مهدی (۱۳۸۷)، **تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها (مطالعه موردی: بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه، استان کرمانشاه)**، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۴ (۲): ۲۵- ۵۰.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، سرشماری نفوس و مسکن، بخش جمعیت.

میرلطفی، محمودرضا، علوی‌زاد، سید امیرمحمد، هدایتی‌امین، خورشید، (۱۳۹۴)، **بررسی انسجام اجتماعی در حفظ امنیت مرزی با تأکید بر تنوع قومی مذهبی (مطالعه موردی: شهرستان زابل)**، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۵ (۱۶): ۵۷- ۷۰.

Bacova, A. Puskar, B. and Vrablova, E. (2015), **New Housing Models-Case Studies. Conference: 15th International Multidisciplinary Scientific Geoconference (SGEM) Location**: Albena, Bulgaria.

Baptista, T. Cabezas, J. Fernandez, L. and Pinto-Gomes, C. (2013). **IDE-OTALEX C. The first crossborder SDI between Portugal and Spain: Background and development**, Journal of Earth Science an Engineering, 3 (6): 1- 14.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]

[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

Bjarstig, T. and Sandstrom, C. (2017), **Public-private partnerships in a Swedish rural context - A policy tool for the authorities to achieve sustainable rural development?** Journal of Rural Studies, 49: 58- 68.

Boehnke, K. Rippl, S. and Fuss, D. (2015), **Sustainable Civil-Society Engagement: Potentials of a Transnational Civil Society in French-German, Polish-German, and Czech-German Border Regions**, Sustainability, 7 (4): 4078- 4099.

Castanho, R. (2017), **Sustainable Urban Planning in Transboundary Areas-Analysis of Critical Factors for Territorial Success**, Ph.D. Thesis, University of Extremadura, Badajoz, Spain, 2017.

Castanho, R. A. Vulevic, A. Cabezas, J. Fernández-Pozo, L. Goméz-Naranjo, J. and Loures, L. (2017), **Accessibility and connectivity—Movement between cities, as a critical factor to achieve success on cross-border cooperation (CBC) projects: A European analysis**, Sustainable Cities and Society, 32: 181- 190.

Castanho, R. Loures, L. Fernandez, J. and Pozo, L. (2018), **Identifying critical factors for success in Cross Border Cooperation (CBC) development projects**, Habitat International, 72 (2): 92-99.

Chilla, T. Evrard, E. Schulz, C. (2012), **On the territoriality of cross-border cooperation: "Institutional Mapping" in a multi-level context**, European Planning Studies, 20, 961- 980.

De Sousa, L. (2013), **Understanding European Cross-border Cooperation: A Framework for Analysis**, Journal of European Integration, 35 (6): 669- 687.

Dominguez Castro, L., and Varela Alvarez, E. (2015), **Building Europolis because of Local "Informal" Cooperation in European Cross-Border Spaces: The Case of RIET**, Geopolitical Magazine e Studies of Space and Power, 6 (2): 225- 246.

European Commission (EC), (2013), **Assessing territorial impacts: Operational guidance on how to assess regional and local impacts within the commission impact assessment system**, SWD (2013 January) three final. Brussels: European Commission.

Faludi, A. (2005), **Polycentric territorial cohesion policy**, Town Planning Review, 76 (1): 107-118.

Gómez, J. M. N. (2016), **Impacts on the Social Cohesion of Mainland Spain's Future Motorway and High-Speed Rail Networks**, Sustainability, 8 (7): 624- 646.

Herzog, L.A. (2000), **Cross-border planning and cooperation. In The US-Mexican Border Environment: A Road Map to a Sustainable 2020**; San Diego State University Press: San Diego, CA, USA, 2000; pp. 139- 161.

Katja, M. Irene, M. C and Bachtler, J. (2009), **Reconsidering cohesion policy, the contested debate on territorial cohesion**, Working paper. University of Strathclyde, Glasgow.

Knippschil, R. (2011), **Cross-border spatial planning: Understanding, designing and managing cooperation processes in the German–Polish–Czech Borderland**, European Planning Studies, 19: 629- 645.

Kurowska-Pysz, J. A. (2016), **model of sustainable development of cross-border inter-organizational cooperation, conclusion from the research**, In Business Models: Strategies, Impact and Challenges; Jabłoński, A., Ed.; Nova Science Publishers: New York, NY, USA, 2016.

Kurowska-Pysz, J. Alexandre Castanho, R. and Loures, L. (2018), **Sustainable Planning of Cross-Border Cooperation: A Strategy for Alliances in Border Cities**, Sustainability, 10 (5); 1- 26.

Lee, S. and Na, S. (2010**), E-Waste recycling systems and sound circulative economies in East Asia: A comparative analysis of systems in Japan, South Korea, China and Taiwan**, Sustainability, 2: 1632- 1644.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]
[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]

Loures, L. (2014), **Post-industrial landscapes as drivers for urban redevelopment: Public versus expert perspectives towards the benefits and barriers of the reuse of post-industrial sites in urban areas**, Habitat International, 45: 72-81.

Loures, L. Panagopoulos, T. and Burley, J. (2015), **Assessing user preferences on postindustrial redevelopment**, Environment and Planning B: Planning and Design, 1 (1): 1-22.

Medeiros, E. (2011), **(Re) defining the Euro region concept**, European Journal of Spatial Development, 19: 141- 158.

Medeiros, E. (2014), **Is there a new 'trust'in inner scandinavia? Evidence from cross-border planning and governance**, Geografiska Annaler Series B Human Geography, 96: 363- 386.

Medeiros, E. (2015), **Territorial Impact Assessment and Cross-Border Cooperation, Regional Studies**, Regional Science, 2 (1): 97- 115.

Medeiros, E. (2016), **Territorial cohesion: An EU concept**, European Journal of Spatial Development, 60: 1- 30.

Namyslak, B. (2014), **Cooperation and Forming Networks of Creative Cities: Polish Experiences**, Journal European Planning Studies, 22 (11): 2411- 2427.

Spangenberg, J. (2000), **Sustainable Development- Concepts and Indicators; Sustainable Europe Research Institute**: Koln, Germany.

Stoffelen, A. and Vanneste, D. (2017), **Tourism and cross-border regional development: insights in European contexts**, European Planning Studies, 25 (6): 1013- 1033.

Svensson, S. (2015), **The Bordered World of Cross-border Cooperation: The Determinants of Local Government Contact Networks within Euroregions**, Regional and Federal Studies, 25 (30): 277- 295.

Szczepa´nska-Woszczyna, K. and Kurowska-Pysz, J. (2016), **Sustainable business development through leadership in SMEs**, Engineering Management in Production and Services, 8 (3): 57- 69.

Van Der Zwet, A. Miller, S. and Gross, F. (2014), **A First Stock Take: Integrated Territorial Approaches in Cohesion Policy 2014-20.** In: Integrated Territorial Approaches in Cohesion Policy 2014-20. European Policies Research Centre, University of Strathclyde.

Williams, D. E. (2007), **Sustainable Design: Ecology, Architecture and Planning**; USA, 2007.

Xia, J. (2011), **Mutual dependence, partner substitutability, and repeated partnership: the survival of cross-border alliances**, Strategic Management Journal, 32 (3): 229- 253.

Yigitcanlar, T. Dur, F. and Dizdaroglu, D. (2015), **towards prosperous sustainable cities: A multiscalar urban sustainability assessment approach**, Habitat International, 45: 36- 46.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1399.20.56.3.4]

[DOI: 10.29252/jgs.20.56.115]